

اینکه چرا قانون‌گذار این وظایف را برای وزارت کشور و سازمان‌های شهری تعیین کرده است را این‌گونه می‌توان توضیح داد که شهرداری‌ها و شوراهای سازمان‌های محلی هستند و باید حلقه وصلی بین شهرداری و شورا به عنوان یک نهاد محلی با حکومت برقرار باشد که این حلقه وصل از سوی قانون‌گذار وزارت کشور تعیین شده است و وظیفه دارد شهرداری‌ها و شوراهای را هدایت، حمایت و پشتیبانی کند اما زمانی که شوراهای شهر ایجاد نشده بودند، وزارت کشور دو نقش را ایفا می‌کرد، یکی وظیفه ذاتی خود که ذکر شد و دیگری وظیفه فعلی شوراهای را چون بر اساس قانون اگر شهری شورا نداشته باشد، وزارت کشور جایگزین شورا می‌شود.

■ اگر بپذیریم سازمان‌های شهری را و دهیاری‌ها نمایندگان دولت را در موضوع مدیریت شهری ایفا می‌کند، دولت (یا در واقع سازمان‌های شهری) چگونه می‌تواند به شهرداری‌ها در زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی کمک کند؟

سیاست‌های کلی نظام که وفق اصل ۱۱۰ قانون اساسی از وظایف رهبری است، پس از ابلاغ چتری بر مجموعه قوانین، مقررات، اعمال سیاست‌ها و بخش‌نامه‌ها تلقی می‌شود، یعنی هر آنچه در کشور می‌گذرد باید بر اساس و مطابق با سیاست‌های کلی باشد، کاری که وزارت کشور در زمینه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی کرد این بود که مابه‌ازای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را در حوزه مدیریت شهری و روستایی تعریف کرد، چندین برنامه و در نهایت چندین اقدام عملی تدوین شد و در نهایت در کار گروهی با حضور معاونان عمرانی استانداری‌ها اقدامات و برنامه‌های تدوین شده را نهایی کردیم و در قالب بخش‌نامه‌ای به معاونان عمرانی استانداری‌ها ابلاغ کردیم، کار البته در این مرحله باقی نمانده و در هر فصل از استانداری‌ها گزارش عملکرد می‌خواهیم تا بررسی کنیم شهرداری‌ها تا چه اندازه در جهت اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی عمل کرده‌اند؛ اقداماتی مانند صرفه‌جویی، کاهش هزینه‌ها، افزایش شاخص‌های بهرهوری، اتکا بر منابع درآمدی پایدار، اتکا به اقتصاد دانش‌بنیان و ... که همگی هم در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ذکر شده است، بخشی از برنامه‌های جهت‌گیری شهرداری‌ها به سمت منابع درآمدی پایدار است اما نکته این است که شهرداری‌ها در این زمینه نمی‌توانند اقدامی انجام دهند، در این بخش وظیفه ماست که شهرداری‌ها را با تدوین و نگارش قوانین جدید یاری کنیم.

از زمانی که قانون‌گذار در سال ۶۲ و در بند ب تبصره ۵۲ قانون بودجه همان سال، وزارت کشور را مکلف به تهیه لایحه خودکفایی شهرداری‌ها و ارائه آن به مجلس کرد که تا به

امروز این امر محقق نشده است، البته در مقاطعی وزیر کشور به این موضوع ورود پیدا کرد اما باز هم منجر به تدوین لایحه نشد، اقدام ما در دولت یازدهم تدوین لایحه منابع درآمدی پایدار بود که پس از تأیید وزیر کشور به کمیسیون کلان‌شهر تهران و سایر کلان‌شهرها در دولت ارسال شد، به نظر می‌رسد طی چند هفته آینده در کمیسیون فرعی نیز بررسی و راهی دولت شود، با تصویب این لایحه جهت‌گیری شهرداری‌ها باید به سمت درآمدهای پایدار برود، در این لایحه رویکرد دولت این است که عمده اتکای شهرداری‌ها به جای منابع ناشی از ساخت‌وساز و عوارض ساخت که در حال حاضر ۷۰ درصد از بودجه شهرداری‌ها را تشکیل می‌دهد، به سمت دریافت عوارض نوسازی و ... برود و سهم عوارض ناشی از ساخت‌وساز از ۷۰ درصد فعلی به کمتر از ۳۰ درصد برسد، از سوی دیگر در این لایحه افزایش عوارض نوسازی از دو درصد فعلی به ۳۵ درصد دیده شده است، جالب اینجاست که بدانید پیش از پیروزی انقلاب اسلامی هم سهم شهرداری‌ها از درآمدهای حاصل از دریافت عوارض نوسازی بیش از ۳۰ درصد بوده است.

■ با این روش هزینه زندگی مردم در شهرها بالا نمی‌رود؟  
■ خیر به هیچ وجه، هزینه‌ها بالا نمی‌رود بلکه واقعی می‌شود، شاید بپرسید چطور؟ در جواب باید بگویم اگر امروز شما به برکه عوارض نوسازی واحدهای شهری بخصوص در مناطق گران‌قیمت شهرهای بزرگ نگاهی بیندازید، ملاحظه می‌کنید که رقم بسیار اندکی تحت عنوان عوارض نوسازی از شهروندان دریافت می‌شود، در حالی که شارژ دریافتی از آپارتمان‌های شمال شهر به مراتب بالاتر از این مبلغ است.

علت بروز این مشکل هم به سال‌های ابتدایی جنگ بازمی‌گردد که پایه ارزش معاملاتی ملک با قانون مالیات‌های مستقیم گره خورد و این پایه سال به سال کاهش پیدا کرد لذا به همین نسبت هم درآمدهای پایدار ناشی از عوارض نوسازی به شدت کاهش یافت، در مجموع باید گفت دریافت عوارض نوسازی به نرخ واقعی، درآمد پایدار است چرا که شما از تولید فضا عوارض نمی‌گیرید بلکه وقتی فضا تولید شد از آن در طول سال‌ها عوارض دریافت می‌کنید. همچنین در لایحه پیشنهادی ما به دولت آمده است که از آنچه دولت به عنوان مالیات بر ارزش افزوده دریافت می‌کند، می‌بایست ۵۰ درصدش به شهرداری‌ها پرداخت شود. چرا که منابع درآمدی در شهرداری‌ها باید اصلاح شود و به جای تأکید بر ساخت و ساز یا دور زدن قانون و فروش تراکم به منابع درآمدی پایدار تکیه کنند.

■ به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و مدیران شهری، شهرداری‌های شهرهای کوچک کشور عملاً ورشکسته هستند، کمک‌های مالی دولت به شهرهای کوچک کمکی به آن‌ها کرده است؟

پول پرداختی ما به شهرهای کوچک از محل منابع دولت و بودجه نبوده است، این منابع درآمدی خود شهرهاست که به جای دریافت محلی، ملی دریافت می‌شود؛ توجه داشته باشید که این منابع مالیات نیست بلکه عوارضی است که به جای جمع‌آوری محلی به صورت ملی جمع‌آوری شده و در بین شهرداری‌ها توزیع می‌شود، پیش از این در دهه ۴۰ شمسی در ورودی شهرها دروازه‌هایی می‌ساختند و هر کس که قصد ورود به شهر را داشت، پیش از ورود می‌بایست عوارض پرداخت می‌کرد، در حین کار متوجه مشکلات چنین کاری شدند و قانون را تغییر دادند، با لغو عوارض دروازه‌ای قانون را این‌گونه نگاشتند که عوارض از واردات کالاها در گمرک دریافت شود و در بین شهرداری‌ها تقسیم گردد، در همین باب عوارض بنزین را هم داریم که یک درصد بود و پیش از این شهرداری‌ها دریافت می‌کردند اما چندی بعد اعلام شد که عوارض بنزین به صورت متمرکز توسط دولت دریافت خواهد شد و بین شهرداری‌ها توزیع می‌گردد، چرا که امکان جمع‌آوری محلی عوارض بنزین وجود نداشت لذا در اینجا باید گفت مالیات بر ارزش افزوده نیز از همان جنس عوارض است و کمک دولتی تلقی نمی‌شود، چون کمک دولت وارد بودجه می‌شود مانند کمک‌ها و هزینه‌های بلیطی که به حمل‌ونقل عمومی و مترو پرداخت می‌شود.